

به جای دلجویی و عذرخواهی

دستور زدن مرفاوی از سئول صادر شد!

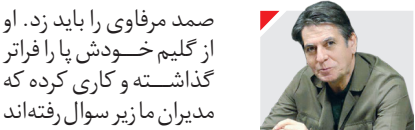


باید مثل روزهای بد استقلال که ساکت بود، در این روزهای ششاد هم سکوت می‌کرد. مگر نمی‌دانند که همین دو روز پیش با چه بدبختی و خفت توانستند چک‌بی مقدار شجاعیان را که در اختیار گسترش فولاد تبریز بود پاس کنند؟ با اینکه می‌گویند نزدیک دو میلیارد تومان بوده ولی ما تا سندش را نبینیم چیزی نخواهیم نوشت.

حالا صمد مرفاوی باید بابت شکایتش در ای اف سی تاوان پس بدهد. او باید از سوسی کمیته انضباطی و سایر ارگان‌های مورد نظر وزارت ورزش هم که رفتارهای مغایر با رفتارهای تحریک‌آمیز داخلی را رصد می‌کنند جریمه هم بشود.

با این نگاه بالا می‌رسیم به اصل مطلب که جالب و شنیدنی است. می‌گویند چند روز پیش، از بالا به یکی از روزنامه‌های ورزشی نزدیک به دولت دستور دادند تا صمد مرفاوی را ادب کنند و علیه‌اش نقد و نظر بنویسند! اول که باور نکردیم. ولی وقتی از یکی از دوستان مستقر در آن روزنامه در این مورد جویا شدیم، به قول مسعود سریال لیسانسه‌ها، تلویحاً شنیدیم که ماجرا حقیقت دارد و یکی از بزرگان ضمن تماسی که با مسئول روزنامه داشته از وی درخواست کرده تا از این طریق علیه سرمربی با اخلاق و متین استقلال و صبا ی قم و... مطلب نوشته و او را بابت اعاده حتش در مجامع بین‌المللی تنبیح و به نوعی بایکوت کنند. جای شگفتی ندارد که مسئولان ما به جای رسیدگی به درخواست مطالبه‌گران، وارونه به سمت قضاوت بروند و ضمن عدالت‌گریزی، این‌گونه در حق مظلوم عمل کنند. این گفته هر چند درست و دقیق است و البته شاید مدرکی دال بر دستور مستقیم نماند به دست آورد اما در صورت حقیقی بودن این ماجرا باید فاتحه ورزش را خواند.

از دریچه دیگر به این ماجرا نگاه کنیم؛ اگر خود آقایان مسئول دستوردهنده، به جای صمد مرفاوی و ده‌ها و شاید هم صدها طلبکار دیگر بودند و مالیات پول‌های نگرفته را می‌دادند، آیا امروز چنین تصمیمی می‌گرفتند و چنین عملکردی در برابر دادخواهی جوانان و نوجوانان و مربیان و سرپرستان و پزشکان و دستیاران و حتی تدارکات ضعیف تیم‌ها داشتند؟ آیا جامعه‌ای که منشأ عدالت‌خواهی و منبع ظلم‌ستیزی‌اش جزء اولویت‌های دینی و مذهبی و



مرتضی موسوی‌نور
دبیر گروه ورزش

صمد مرفاوی را باید زد. او از گلیم خودش پا را فراتر گذاشته و کاری کرده که مدیران ما زیر سوال رفته‌اند و در مجامع بین‌المللی به بدی از آنها یاد می‌شود! صمد مرفاوی را باید له کرد! او نباید در این وانفسا و بلبشوی مشکلات بین‌المللی که گریبان باشگاه‌ها و مدیران را گرفته و از هر سو به آنها حمله می‌شود و تهدید به تعلیق و محرومیت می‌شوند، درخواست مطالبه‌می‌کرد و می‌گذاشت چندسال دیگر هم بگذرد تا باشگاه استقلال و مدیران خوش‌خیال، استطاعت پرداخت طلب‌های او را پیدا کنند. آن وقت می‌توانست مراجعه و حق و حقوقش را دریافت کند. البته احتمال اینکه باز هم این طلب‌ها به تعویق بیفتد، بود و مرفاوی نباید باز هم ناراحت می‌شد.

صمد مرفاوی را باید بایکوت کرد! نباید به او فرصت گفت‌وگو در روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها را داد و نباید اجازه داد تا بتواند از حق خودش دفاع و مطالبات چند سال پیشش را که برایش جان کنده و زحمت کشیده استرداد کند. اصلاً او با چه حقی رفته کنفدراسیون فوتبال آسیا شکایت کرده و باشگاه استقلال و مدیران آن را که زیرمجموعه وزارت ورزش به ریاست مجمع مسعود سلطانی‌فر است، به مخاطره انداخته است؟ مگر او خبر نداشت که جناب وزیر ورزش چندی پیش یواشکی و دور از چشم دیگران رفته مالزی و با مسئولان کنفدراسیون فوتبال آسیا جلسه‌ای تشکیل داده و ریشش را گرو گذاشته تا زمان سروسامان پیدا کردن وضعیت استقلال و پرسپولیس دست نگه دارند و دستور العمل و بخشنامه‌ای را برای محرومیت آنها صادر نکنند؟ مگر مرفاوی وکیل نگرفته؟ پس او چرا از این ماجرا خبر نداشته و اقدامی نکرده؟ او که قانون را خوب بلد است و باید قانونی عمل کند. حالا بعضی‌ها قانون را دور می‌زنند به او مربوط نمی‌شود. ما هم لال‌مونی می‌گیریم و سکوت می‌کنیم. اما دلیل نمی‌شود که مرفاوی را به همین راحتی ولش کنیم تا حق و حقوقش را طلب کند. اصلاً چه معنایی دارد در حالی که استقلال در حال نتیجه‌گیری و صعود در جدول رده‌بندی است، کسی از طلب حرف بزند.

خبر سازان

داریوش شجاعیان: استارت از نیم‌فصل دوم

شجاعیان ابتدای فصل و در انتقالی جنجالی به استقلال پیوست؛ انتقالی که خیلی‌ها آن را یکی از گران‌ترین نقل و انتقالات تاریخ فوتبال ایران می‌دانند. با این حال در استقلال آشفته ابتدای فصل، توانایی‌های او هم تلف شد. استقلال منظم بازی نمی‌کرد و شجاعیان هم روی آورده بود به حرکات تکنیکی اضافی. حالا با آمدن شفر هم استقلال جانی گرفته و هم شجاعیان متحول شده است. شجاعیان از کارهای اضا فاش تا توپ کاسته و نقش مهمی در طراحی حملات تیم پیدا کرده است. با این عملکرد، فشارها را روی او برداشته می‌شود و می‌تواند رویای روزهای بهتری را ببیند؛ حتی رویای حضور در روسیه.



علیرضا بیرانوند: رکوردشکنی به وقت انتقادات

علیرضا بیرانوند رکورد گل نخوردن در تاریخ لیگ برتر را شکست، رکوردی که برای سال‌ها در اختیار آرمانک پطروسیان بود. با این حال گل بدی که در لحظات پایانی در یافت کرد، تمام حالات رکوردشکنی را زایل کرد. خیلی‌ها می‌گویند خط دفاع خوب پرسپولیس و در راس آنها سید جلال، اصلی‌ترین عامل کم‌گل خوردن پرسپولیس هستند. بیرانوند که شماره یک تیم ملی هم هست، در ماه‌های اخیر واضحاً افت کرده است. نشانه افتش هم گل‌های بدی است که می‌خورد. برخی‌ها حتی تعداد واکنش‌هایش در چند وقت اخیر را به سخره گرفته‌اند. هر چه هست بیرانوند احتمالاً تا مدت‌ها رکورد بستن دروازه را در اختیار خواهد داشت.



اعتراف بدهکار میلیاردی فوتبال

بدهی وزندان به خاطر عشق و حمایت؟!

اتهام‌ها روی آنتن تلویزیون حکومتی برود و دقایق طولانی حرف بزند. در مقابل حتی صحبت‌های رک و صریح و بی‌پرده محمد حسن‌نژاد، نماینده مجلس شورای اسلامی و بیگومگوی این دوبا یکدیگر هم هرچند کاملاً چهره پشت پرده هدایتی را عیان کرد، برای این عابر بانک سابق یک امتیاز بزرگ اعتباری بود.

حسین هدایتی در بخش بررسی پرونده سرمایه‌دارهایی که در فوتبال هزینه می‌کنند، مدعی شد که ۱۵۰ میلیارد تومان در ۱۲ سال گذشته برای استیل آذین، پرسپولیس، فدراسیون و تیم‌های ملی ایران و برخی باشگاه‌ها مثل ملوان انزلی، سپیدرود، گهر درود و... خرج کرده و این مبلغ را فقط در فوتبال هزینه کرده است اما پرداختی‌هایی هم برای سایر



رشته‌ها داشته که درباره آنها افشاگری بیشتری نکرد. او به وضوح اشاره کرد که علاوه بر این، در دو مرحله پنج و هفت ماهه بنابر تقاضای آقایان فدراسیون فوتبال برای قسط مطالبات آقای کی‌روش پرداختی داشتیم و همچنین برای لباس آدیداس و پاداش‌های تیم ملی نیز مبالغی دادیم چرا که این تیم موجب شادی کشور و صعود تیم ایران به جام جهانی شده است. هدایتی در مورد علت حضورش در فوتبال گفت از روی عشق و علاقه و بعضی مواقع برای اسپانسرینگ بوده؛ هرچند خودش می‌داند پذیرش و باور این مسائل هم برای مردم سخت است! مهدی پرهام، مالک قبلی باشگاه نساجی که تیم را به فرهاد صنیعی‌فر، مالک فعلی واگذار کرده نیز عنوان کرد در ۱۰ سال‌گی که به فوتبال آمده ۳۰ میلیارد تومان هزینه کرده است.

حسن‌نژاد، نماینده مجلس و عضو کمیته اقتصادی خانه ملت اعلام کرد شرکت وابسته به یک فرد مشهور در فوتبال به نام «ح.» فقط در بانک سرمایه مبلغ ۱۳۷۲ میلیارد تومان بدهی دارد. این نماینده بعد از دقایقی مجدداً روی خط برنامه ۹۰ آمد و با اسم آوردن مستقیم از شخص هدایتی گفت: «حسین هدایتی کتباً اعلام کرده بدهی پنج شرکت برعهده او است و به دلیل عدم پرداخت معوقات او، پول سهامداران پرداخت نمی‌شود؛ آقای هدایتی بازداشت شده و با ۸۰۰ میلیارد تومان وثیقه بیرون آمده است؛ ایشان (هدایتی) اگر دلش به حال ورزش می‌سوخت، باشگاه استیل آذین را آباد می‌کرد نه اینکه پرسپولیس را به خاک سپاه نبشاند تا رئیس‌جمهور ایران مجبور شود برای پرونده طارمی به رئیس‌جمهور ترکیه رو ببیند از تا این مساله را حل کند.»

موندو



مسی کریسمس
لئو اسمال نیز به هواداران بارسلونا هدایای هیجان‌انگیز اهدا کرد؛ پایان سال ۲۰۱۷ اسپانینایی بارسا/ گوناگون برای مسی بود؛ با ۵۴ گل زده در یک فصل/ اولویت رئال؛ خرید یک مهاجم نوک برای رقابت با کریم بنزما.



روزنامه آس چاپ نشد
تمجید سایت اختصاصی روزنامه «اسپورت» از عملکرد ارنستو والورده سرمربی اسپانیایی بارسا/ والورده ۱۷ هفته بدون شکست، رکورد پپ گواردیولا و تیتو ویانوی فقید را زد. دو شکست ابتدای فصل محو شد.



کیوسک

مینا موسوی‌نور
مارکا
هزینه برای داشتن دنیایی بهتر
خوان ماتا: «هدف ما تبدیل شدن به بهترین تیم دنیاست.»/ هری کین، یک گل کمتر از مسی به فیر رسانده/ دمبله سال جدید در بارسلونا/ رال ماریدر در انتظار بازگشت بیلی / مارسلینو تورال: «سهمیه لیگ قهرمانان یک روپا بود.»

یادداشت

فوتبال، سرمایه‌داری و تبلیغات

از آدامس خروس‌نشان تا امروز

همه‌جا آنها را می‌بینید، روی پیراهن تیم، روی کلاه، جوراب، شورت ورزشی، اطراف زمین، جای جای ورزشگاه. بین دو نیمه، اسپانسرها همه‌جا را گرفته‌اند. آنها دیگر بخشی از فوتبال هستند، یا شاید بشود گفت فوتبال بخشی از آنهاست.



محمد هدایتی
روزنامه‌نگار

باهرکس درباره کلیت فوتبال صحبت کنید، احتمالاً خیلی زود به این جمله برخورد «فوتبال یک صنعت است.»، وقتی از توسعه فوتبال حرف می‌زنیم، بلافاصله اموری مثل «سرمایه‌گذاری»، «هزینه» و «سود» به میان می‌آیند. واژگان اقتصادی در فوتبال رسوخ کرده‌اند و خب، آن گزاره عامیانه شاید بیش از هر زمان دیگری در فوتبال مصداق داشته باشد که «پول حرف آخر را می‌زند». فوتبال به یکی از اساسی‌ترین مقولات در نظام سرمایه‌داری جهانی بدل شده است. به عرصه‌ای برای پولسازی، به واسطه‌ای برای تولید نیاز در مخاطب و بازاری برای فروش محصولات. فوتبال سبک زندگی می‌سازد و با این کار کالاها و محصولات را به نیاز بدل می‌سازد و آنها را به مصرف‌کنندگان تحویل می‌کند. گویا دیگر مسجل شده است که فوتبال بدون اسپانسرها ناممکن است. اسپانسرها تا بدان جا قدرت یافته‌اند که در تمام انتخاب‌های فوتبالی تأثیر می‌گذارند، از انتخاب بهترین بازیکن جهان گرفته، تا انتخاب میزبان جام جهانی. اسپانسرها گاه حتی هویت‌ها را نشانه می‌روند. آشکارترین نمونه آن نام ورزشگاه آرسنال است. می‌دانیم که به صورت سنتی ورزشگاه‌ها در بریتانیا، با محل ساخت ورزشگاه شناخته و نام‌گذاری می‌شدند. استمفورد بریج، وایت‌هارت لین، اولدترافورد. آرسنال اما طبق قراردادی با هواییمایی امارات، تا سال ۲۰۲۰ نام ورزشگاهش را گذاشته است امارات. یعنی برای ۲۰ سال آنها در ورزشگاهش بازی می‌کنند که نامش نسبتی با هویت تاریخی این تیم ندارد. اسپانسرها، خود را بر نام و هویت باشگاه هم تحویل می‌کنند. قصه فوتبال ما و اسپانسرها هنوز جای کار بسیار دارد. ویدئویی در اینترنت هست درباره جام جهانی ۱۹۷۸ و اولین حضور ایران در این مسابقات. «آدامس خروس‌نشان با افتخار حمایت خود را از تیم ملی اعلام می‌دارد؛ اسپانسر ما در آن جام. از آن روز تا به امروز فراز و نشیب‌ها بسیار بوده است. در تمام دهه ۶۰، نشانی از اسپانسرها نبود. وضعیت جنگی مجالی برای این کارها نمی‌داد. پول از فوتبال رخت بر بسته بود و می‌گویند داستان فوتبال در آن دهه داستان عاشقی بوده است و قصه تلخ نسلی سوخته که بهره‌ای آنچنان نبرده‌اند. از نیمه‌های دهه هفتاد، پول دوباره به فوتبال تزریق شد و اسپانسرها کم‌کم سر بر آوردند. اول فقط روی پیراهن‌ها. به مرور بیشتر و جاهایی دیگر. حالا کم‌کم چهره‌های مطرح فوتبالی‌مان هم به تبلیغ برنده‌های مختلف می‌پردازند و چهره‌هایشان را روی بلبوردهای تبلیغاتی شهری می‌بینیم. حالا وسط ترافیک شهری کریم باقری روی بلبوردها لبخند می‌زند و به تبلیغ خمیردندان می‌پردازد، مهدی مهدوی کیا هم با این حال فوتبال ما هنوز هم در مقوله اسپانسرینگ مشکلات اساسی دارد. بازاربایی در فوتبال، کاری کم و بیش تخصصی و علمی شده است، چیزی که مدیران ما هنوز شاید تخصص و کفایت لازم را برای انجامش ندارند. در کنار این عدم تخصص، مشکلات و افتوتبالی پیش روی اسپانسرها کم نیست. ملاحظات سیاسی و امنیتی بسیار است و تلویزیون سهم فوتبال را نمی‌دهد. هنوز عرصه برای فعالیت بخش خصوصی فراهم نیست. نتیجه این شرایط شده است وضعیت تیم‌های لیگ برتر. همه‌بدهکار، بدون شفافیت مالی و البته فدراسیون فوتبالی که نمی‌تواند برای البسه تیم ملی در جام جهانی اسپانسر خوب و باکیفیت بگیرد و ما تنها تیمی در جام جهانی خواهیم بود که به جای درآمدزایی از اسپانسر لباس، باید پول پرداخت کنیم. از آدامس خروس‌نشان تا امروز، زمان زیادی گذشته است، اما منطق کار ما، هنوز ابتدایی است و ناکارا.

جام جهانی

هزینه جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه اعلام شد

رئیس اتاق بازرگانی دولت روسیه هزینه جام جهانی ۲۰۱۸ را اعلام کرد.

به گزارش «ایسنا»، در حالی که تقریباً پنج ماه تا جام جهانی روسیه باقی مانده است، هزینه برگزاری بزرگ‌ترین رویداد فوتبالی جهان اعلام شد. تاتیانا گولیکووا، رئیس اتاق بازرگانی دولت روسیه اعلام کرد هزینه برگزاری جام جهانی ۲۰۱۸ در این کشور، مبلغ ۶/۷ میلیارد دلار معادل ۳۹۰ میلیارد روبل خواهد بود. ۳۸ درصد از این مبلغ به بهبود، ساخت و بازسازی زیرساخت‌های ورزشی اختصاص یافته و مابقی برای زیرساخت‌های شهری تخصصی پیدا کرده است. جام جهانی ۲۰۱۸ فوتبال قرار است در ۱۱ شهر کشور روسیه برگزار شود. غیر از شهر مسکو که دو ورزشگاه برای جام جهانی دارد، بقیه شهرها یک ورزشگاه برای میزبانی جام جهانی خواهند داشت.

پریختگان

آشنای مشکوک و مشکوک آشنا

در برنامه ۹۰ این هفته مشخص شد: الف: برای گرفتن وام چند ده میلیاردی همین که راننده آژانس هم باشی کافی است. البته مهم این است که چه کسی را سوار کنی. خیلی کار سختی نیست، باید آشنا داشته باشی! ب: برای گرفتن یک وام بانکی چند صد میلیاردی داشتن یک شرکت ۳۵ هزار تومانی کافی است. البته همین این است که چه کسی بخواهد با شرکت پولشویی کند! خیلی کار سختی نیست، باید آشنا داشته باشی!

ج: برای گرفتن وام به نام دیگران، کافی است آدم بانفوذ و مشهوری باشی. همین که بانفوذ و مشهور باشی راننده آژانس‌ها داوطلب می‌شوند که به نامت وام بگیرند. حالا فهمیدید چرا دوستان همین طوری و به عشق هواداران به باشگاه‌ها پول کمک می‌کنند؟ البته این هم خیلی کار سختی نیست، فقط باید آشنا داشته باشی! د: نکته مهم! باید بلدهم باشی قیمت ۳ میلیاردی پروژه ۴۰۰ میلیارد جا بزنی. خیلی کار سختی نیست. باید آشنا داشته باشی! نتیجه اخلاقی: مانی رهنما یک بار خوانده بود: مشکوکم مشکوکم... الان حکایت همه ما همین شد، به همه مشکوکیم. البته اوضاع طوری شده که برای مشکوک بودن هم باید آشنا داشته باشی!